



محمدجواد صمدی مدیرعامل زنجیره بلوک پارس و مشاور مدیرعامل تجارت الکترونیک پارسیان در یکی از رویدادهای جانبی نمایشگاه تراکنش ایران، کاربردها، فرصتها و تهدیدهای بلاکچین را برای شبکه بانکی کشور تشریح کرد. به گزارش ستاد خبری نمایشگاه، وی به عنوان سخنران سمینار نقش بلاکچین در تحولات صنعت بانکداری و پرداخت که در حاشیه نخستین روز ITE 2018 برگزار شد، سخن گفت.

مرکز فابا، چهارمین نمایشگاه تراکنش ایران را 22 تا 24 آبان سال جاری در محل دائمی نمایشگاههای شهرداری تهران، واقع در بوستان گفتوگو برگزار کرد.

در ادامه، متن سخنرانی صمدی را در سمینار بلاکچین می‌خوانید.

اصل بر بلاکچین است؛ نه بیت‌کوین

برای اشتراک در ادبیات به یک نکته اشاره کنم. من معتقدم؛ باید میان فناوری بلاکچین و کریپتوکارنسی (Cryptocurrency) و بیت‌کوین تفکیک قائل شویم. متأسفانه در فضای عمومی جامعه کریپتوکارنسی و بیت‌کوین با شبکه‌های هرمی سنجیده می‌شوند و وقتی می‌خواهیم به اصل فناوری و ارزش افزوده ناشی از این فناوری بپردازیم با چالش بزرگی به نام نبود اعتماد مواجه می‌شویم. در صورتی که این فناوری برای ایجاد اعتماد آمده است؛ بنابراین در مورد فناوری بلاکچین که مرتبط با دفاتر توزیع شده است صحبت می‌کنیم. در این میان، کریپتوکارنسی‌ها محصول شناخته‌شده‌ای هستند؛ البته محصولات دیگری در بلاکچین وجود دارند. خواهش می‌کنم به این تفکیک که پایه بسیاری از صحبت‌هاست اهمیت دهید.

درباره کاربردهای فناوری بلاکچین صحبت‌های بسیاری مطرح شده است اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا بر اصالت فناوری بلاکچین و نه لزوماً کریپتوکارنسی‌ها تأکید می‌کنیم؟ چون کاربردهای متنوعی می‌توان برای آن مطرح کرد که برخی غیرمالی است. البته حوزه مالی از جمله کریپتوکارنسی پرتعداد است. یکی دیگر از این موضوعات نیز ذخیره‌سازی داده‌ها است که به عنوان نگهداری سوابق رکوردهای بانکی در مواردی چون پلت‌فرم‌های تجاری، حوزه پرداخت به پرداخت (pay to payment) و بحث به اشتراک گذاشتن دارایی‌ها و... مطرح می‌شوند.

این موارد عناصری هستند که در حوزه مالی برای فضای زنجیره بلوک شناخته شده‌اند؛ ولی لزوماً کاربردهای این تکنولوژی محدود به آنها نیست و هر روز می‌تواند کاربردهای جدیدی بر اساس ایده‌پردازی خلاقان صنعت داشته باشد.

زنگ خطر بلاکچین برای صنعت مالی

بلاکچین زنگ خطری برای صنعت مالی محسوب می‌شود؛ چون در حال تغییر دادن ساختار و الگوی بازار سرمایه است. من این زنگ خطر را به این شکل تشبیه می‌کنم که 20 سال پیش نظام بانکداری شعبه‌ای در ایران رواج داشت؛ مثلاً برای وصول

چک یا واریز و برداشت هر وجه، باید به شعبه مراجعه می‌کردیم؛ ولی با ورود نسل جدید بانکداری الکترونیکی و کربنکینگ تحولات بسیاری رخ داده است تا به بانکداری امروز رسیدیم. آن تحولات، ناشی از فناوری بانکداری الکترونیکی و زیرساخت‌های ناشی از آن بود. اکنون نیز چنین اتفاقی در صنعت مالی و نه صرفاً به حوزه بانک در حال شکل‌گیری است و به کاربرد حوزه بلاک‌چین و تغییر ساختار نگهداری اسناد مالی مربوط می‌شود.

رابطه خریدار و فروشنده در عملیات خرید و فروش بازار سرمایه، توسط واسطه یا کارگزار، مدیریت می‌شود و ساختار سلسله‌مراتبی دارد. از طرفی هر کدام از آنها دفتر کل شخصی دارند و خود آنها به امور دفاتر مالی رسیدگی می‌کنند. این اتفاق منجر به این می‌شود که برای ثبت نقل و انتقال سهام یا خرید و فروش حتی یک برگ بیمه یا نقل و انتقال هر وجه مالی در نظام پرداخت و بانکی، باید دفاتر توزیع‌شده غیر مرتبط به هم داشته باشیم. اما واقعیت این است که در ساختار بازار سرمایه به احتمال غریب به یقین به سمتی می‌رویم که یک دفتر کل توزیع‌شده داشته باشیم تا همه ذی‌نفعان کسب و کار از آن بهره بگیرند.

اگر چنین اتفاقی بیفتد دیگر بانک‌ها و بیمه‌ها کارکرد قبلی خود را نخواهند داشت و بر اساس تحول در ساختار بازار، کارکرد همه ذی‌نفعان و بازیگران صنعت مالی نیز متفاوت از گذشته می‌شود؛ برای مثال شکل و کارکرد بانک که وظیفه تجهیز و مصرف منابع را در قالب تسهیلات دارد، تغییر می‌کند. دلیل این تحولات را باید شکل‌گیری کارکردهای مبتنی بر بلاک‌چین دانست. در آینده دریافت‌کننده و پرداخت‌کننده تسهیلات به راحتی می‌توانند یکدیگر را پیدا کنند و دیگر نیازی به واسطه نیست. البته چنین نگاهی به فضای بلاک‌چین اغراق‌آمیز است اما می‌توان این تصور را داشت که بلاک‌چین چنین قدرتی به ما می‌دهد تا ساختار بازارهای مالی را تغییر دهیم. شرکت Accenture پیش‌بینی می‌کند تا سال 2025 این اتفاق رخ می‌دهد.

ساختار سازمانی بانک‌های بزرگ و سرشناس دنیا برای انطباق با بلاک‌چین تغییر کرده است و همه آنها موقعیت‌های مختلف بلاک‌چینی دارند؛ مثلاً مدیر پروژه، معاونت حوزه بلاک‌چین، معاونت تطابق بلاک‌چین و مشاور. فضای تطبیق برای رسیدن به ظرفیت بلاک‌چین در بانک‌های بزرگ دنیا فراهم شده که حتی در نقشه راه شرکت Accenture مشهود است و پیش‌بینی می‌شود هفت سال آینده، 10 درصد تولید ناخالص ملی کشورها روی بلاک‌چین قرار بگیرد.

الگوهای جدید بانکداری نشان می‌دهد که با گسترش بلاک‌چین، تنها چیزی که در نظام هر بانک تغییر نمی‌کند حوزه منابع انسانی است و بقیه بخش‌های بانک توسط این فناوری مورد تهاجم یا حمایت قرار خواهد گرفت؛ یعنی هم می‌توان به عنوان فرصت به آن نگریست هم به عنوان تهدید.

اگر بانک‌ها بر موج تغییرات سوار شوند، می‌توانند ظرفیت‌ها و سرویس‌های خود را متناسب با این ظرفیت توسعه دهند. البته باید بگویم سرمایه‌گذاری‌های متعددی در حوزه‌های مختلف از جمله کارنسی، قرارداد، پی‌تویی و ... به شکل‌های پروژه و شرکت‌های تجاری یا به شکل استارت‌آپ و شرکت‌های دانش‌بنیان صورت گرفته است.

تا پایان سال 2017 میزان سرمایه‌گذاری صرفاً در حوزه مالی بلاک‌چین، 2 و نیم بیلیون دلار بود. این روند و حجم سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌ها، در حال افزایش است.

ضرورت نگاه مساله‌محور به بلاک‌چین

در اینجا سؤال مطرح می‌شود که آیا در صنعت بانکداری باید سراغ بلاک‌چین خصوصی رفت یا سراغ عمومی؟ پاسخ این موضوع بستگی به رویکرد و استراتژی ما نسبت به بلاک‌چین دارد؛ اگر معتقدیم؛ این فناوری همان ابزاری است که ساختارهای بازار مالی را تغییر می‌دهد، بدون شک باید سراغ بلاک‌چین عمومی برویم؛ اما اگر فقط برای رشد بخش‌های داخلی بانک می‌خواهیم به آن توجه کنیم نسخه خصوصی بلاک‌چین، مناسب است.

البته هیچ کدام از اینها نسخه قطعی نیستند؛ چون توصیه بزرگان حوزه بلاک‌چین این است که باید مسئله‌محور به آن پرداخت و نمی‌توان برای هر مسئله سراغ این فناوری رفت. بلاک‌چین حتماً باید کارکرد و مزیت خود را برای آن موضوع داشته باشد؛ به همین دلیل نگاه مسئله‌محوری به این حوزه باید به صورت بسیار جدی باید مورد توجه قرار گیرد.

نکته دیگر در حوزه صنعت مالی، بحث پلت‌فرم‌های مشترک بلاک‌چین است. گاهی می‌شنویم که مثلاً فلان بانک یا شرکت، پلت‌فرم ملی بلاک‌چین، راه‌اندازی کرده است اما بلاک‌چینی که یک شرکت یا یک بانک راه‌اندازی کند دارای مفهوم عدم تمرکز است؛ ممکن است این ابزار با کارکردهای داخلی آن مجموعه انطباق داشته باشد؛ ولی اگر قرار است به خارج از شرکت یا بانک سرویس ارائه و مشتریان را مخاطب قرار دهد باید چند عنصر کنار هم قرار بگیرند.

اتفاقی که در صنایع مالی کشورهای مختلف همسایه در حال شکل‌گیری است و امیدوارم در آینده‌ای نزدیک در ایران نیز شکل بگیرد، زیرساخت‌های مشترکی است که مبتنی بر بلاک‌چین میان بانک‌ها ایجاد می‌شود و مبتنی بر آنها می‌توان خدمات جدیدی ارائه کرد.

کاهش شعبه و ایجاد شفافیت با استفاده از بلاک‌چین

در اینجا به چند مثال ساده در حوزه خدمات جدید اشاره می‌کنم. یکی از معضلات بانک‌ها در حوزه خدمات بانکداری الکترونیکی، مراجعه مشتری به شعبه است؛ اگر بتوان کی‌وای‌سی مشتری یا نمونه امضای او را در یک زنجیره بلاکی قرار داد و با اعتماد کامل میان عناصر به اشتراک گذاشت، ظرفیت سه هزار شعبه‌ای بانک ملی می‌تواند برای بانک پارسیان 400 شعبه‌ای، مورد استفاده قرار گیرد. دیگر برای مشتری تفاوتی نمی‌کند که این شعبه، شعبه بانک پارسیان است یا شعبه بانک ملی؛ با یک بار کی‌وای‌سی، همه شبکه که به زیرساخت مشترک بلاک‌چینی متصل شده، می‌تواند از آن ظرفیت استفاده کند. به عبارت دیگر امضای دیجیتال مشتری می‌تواند در هر شعبه‌ای قابل استناد باشد. دیگر لزومی ندارد از بالا تا پایین خیابان جردن 36 شعبه وجود داشته باشد و احتمالاً یک الی دو شعبه کفایت می‌کند.

بر خلاف شایعاتی که مطرح می‌شود بر این مبنا که بلاک‌چین برای پولشویی ابداع شده است، بلاک‌چین‌ها می‌توانند در حوزه شناسایی هویت‌ها، شرایطی را مهیا کنند که هیچ‌گاه دغدغه پولشویی و مسائلی از این دست وجود داشته باشد و شبکه‌ای کاملاً شفاف شکل بگیرد.

بهره‌گیری از دارایی‌های مسدود شده در قالب وثایق بانکی

موضوع دیگر بحث وثایق بانکی است؛ مثلاً برای یک وام 200 میلیون تومانی، یک سند ملکی با قیمت یک میلیارد تومان وثیقه می‌گذاریم در حالی که پوشش ریسک بانک 10 تا 20 درصد آن را شامل می‌شود.

در پلتفرم بلاک‌چین می‌توان سند ملک را قبل از سپردن به باتک توکنایز کرد و به آن میزان توکن که ریسک تسهیلات را پوشش می‌دهد، در اختیار بانک تسهیلات‌دهنده قرار داد. در نتیجه می‌توان مازاد آن را در حوزه‌های دیگر اعتباری به کار برد. در این شرایط خلق اعتبار بسیاری صورت می‌گیرد و می‌توان از دارایی‌های مسدود شده در حوزه‌های اعتباری دیگر استفاده کرد.

حل مشکل تحریم با استفاده از بلاک‌چین

این فناوری در حوزه پرداخت برون‌مرزی نیز کاربرد دارد. گفته می‌شود که بیت‌کوین و دیگر ارزهای دیجیتالی قادرند مسئله تحریم را حل کنند؛ اما واقعاً این‌طور نیست. اقتصاد ایران با اقتصاد بیت‌کوین قابل سنجش نیست؛ این دو بسیار با یکدیگر متفاوت‌اند. کریپتوکارنسی‌ها شاید بتوانند در سطح جزئی در حوزه پرداخت‌های خرد به بعضی از مسائل تحریم کمک کنند؛ اما بلاک‌چین قادر است مسئله ایران در حوزه تحریم را حل کند.

بانک‌های ایران در نقاط مختلف جهان بیش از 100 شعبه دارند. معضل کشور در زمان تحریم‌ها نداشتن بانک کارگزار خارجی خوب است. سوئیفت بسته شود یا بسته نشود اهمیت زیادی ندارد؛ چرا که می‌توان به راحتی از طریق ایمیل یا یاهو مسنجر با آن در ارتباط بود؛ چون فقط یک شبکه انتقال پیام محسوب شده و دارایی‌ای در آن جابه‌جا نمی‌شود. جابه‌جایی دارایی و سرمایه در بانک‌های کارگزار صورت می‌گیرد.

مشکل ما این است که هیچ بانک کارگزاری حاضر نیست با ایران همکاری کند. کانال اروپایی هم برای ایجاد بانک کارگزاری اما بسیار محدود شکل می‌گیرد. ایران می‌تواند از ظرفیت بیش از 100 شعبه خارجی بانک‌های کشور استفاده کند.

هر کدام از آنها می‌تواند یک کارنسی را در شبکه بلاک‌چینی به شکل توکنایز شده تأمین کند. ایران می‌تواند از این ظرفیت برای تبادلات بین‌المللی با بانک کارگزار خود بهره بگیرد. بنابراین مسئله تحریم با بیت‌کوین حل نمی‌شود؛ اما با بلاک‌چین می‌توان آن را حل کرد.

امکان مدیریت املاک مازاد بانکی و سرمایه‌های سرگردان

فقط یکی از بانک‌ها، 16 میلیارد تومان املاک مازاد بانکی دارد. این دارایی‌ها، اموال فریز شده ناشی از افزایش سرمایه بانک‌ها

یا وثایق ضبط شده است. این دارایی‌ها آنقدر بزرگ هستند که نمی‌توان به راحتی آنها را فروخت و مسائل و نسبت‌های بانک را بر هم ریخته‌اند.

املاک مزاد بانکی را می‌توان با چارچوب منطقی و قانونی، توکنایز و به بازار عرضه کرد. سرمایه‌گذاری سرمایه‌ها و نقدینگی بی‌برنامه موجود در کشور با استفاده از این ابزار،

قابل انجام دادن است. بخش مسکن می‌تواند نسبت بزرگی از سرمایه‌گذاری در حوزه املاک مزاد بانک‌ها را پوشش دهد. به این ترتیب دارایی‌های غیر مولد بانک‌ها به دارایی مولد تبدیل می‌شود.

بلاک‌چین؛ فرصتی برای حوزه کسب و کار بانک‌ها

بلاک‌چین، در مورد موضوع پرداخت فرد به فرد نیز کاربرد دارد. نکته مهم اینکه اگر بتوانیم پلت‌فرم مشترکی ایجاد و این نوع دارایی‌ها را در آن سر و سامان دهیم بازاری خواهیم داشت که می‌توانیم سرمایه‌مان را بر اساس شرایط آن و بازار جهانی شیفت کنیم. مثلاً وقتی اونس افزایش قیمت می‌دهد ملک خود را می‌فروشیم و آن را به اونس تبدیل می‌کنیم؛ بدون اینکه بخواهیم درگیر کارگزار و بروکراسی‌های عجیب و غریب شویم.

معتقدم؛ بلک‌چین یک فرصت و پنجره طلایی برای بانک‌هاست تا در شرایط بد اقتصادی مسائل خود را حل کنند؛ اما بلاک‌چین یک درایور در حوزه کسب و کار است نه در حوزه آی‌تی بانک‌ها. امیدوارم حوزه کسب و کار بانک‌ها این فرصت را بهتر از بخش آی‌تی درک کند.





عکس‌ها از: نادر دوستی